

웹툰 mini

원작 유인

Kidari STUDIO

(주) 키다리아엔티

کاری از گروه MUKANKA



دکتر

الیزه

ملکه ای با
چاقوی جراحی

حیف شد. ایشون کسی
هستند که باید بخاطر این
پیروزی از شون قدردانی بشه،
با اینحال نمیتونن اینجا باشن



عالیجناب، ایشون خیلی
سخت کار نمیکنن؟

شنیدم ایشون به ندرت
میخواهین. نگرانم خیلی به
خودشون فشار بیاورن

ایشون حتی در
چنین روزی
استراحت نمیکنن



و من عمدا امروز دعوتش
کردم تا بتونه استراحت کنه

تو چنین موقعیت هایی،
هرکسی اول باید نگران
سلامتی خودش باشه

اون واقعاً گوش نمیده

چقدر پردردسر



mehrnaz مترجم

mira

کلیئر

tara

تاپیست

لطفاً یکم دیگه امیدوار
باشید. به زودی بهتر
میشید

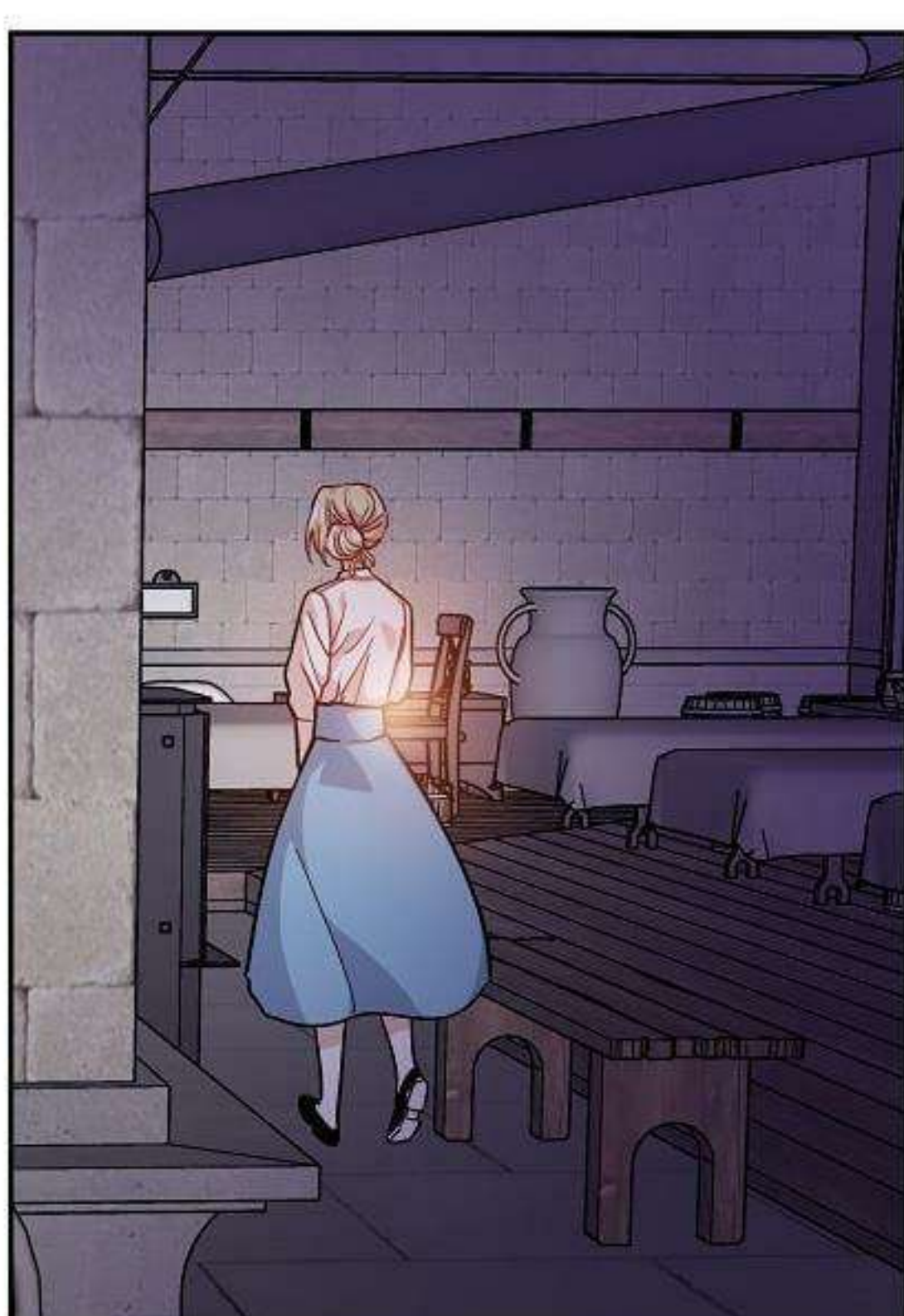


ممنونم، مادام. در چنین
روزی، شما حتی استراحت
نکردید، و اونم بخاطر
ماعه...



اگر واقعا متشکر هستی،
زود باش و بهتر شو. و اگر
جنگ تموم شده باشه،
میتونی پیش خانوادت
برگردی

مادام...



مادام، مادام! لطفاً
چند لحظه بیايد
اینجا!







اینجا اتاق
ملاقات نیست؟

چی؟ یه بیمار نباید تو
اولین اتاق امداد
باشه؟

بیمار؟
درباره اون نیست

عجله کنید و
بیاید تو

ای
ای
ای



همه منتظر
شما بودن

چی؟



رئیس
بیمارستانمون
رسید!



بفرمایید اینجا، مادام. ما
منتظر بودیم

این... چه
خبره؟



شاهزاده مارو فرستادن تا
بخاطر سخت کوشیتون
از شما پذیرایی کنیم و
ایشون گفتن که عالی
بودید

امروز روز خوبیه، پس
شاهزاده مستقیماً گفتن اگر
بیمار اورژانسی نیست
بخورید و استراحت کنید





مطمئناً شاهزاده اینو
گفتن چون نگران هستن،
درسته، چون به نظر
میرسه سخت کار کردیم؟



فکر میکردم شاهزاده آدم
سردیه ولی کاشف به عمل آمد
که اینطور نیست

من مطمئنم شاهزاده
بخاطر ما اون حرف هارو
نگفتن، بلکه ایشون
نگران مادام هستن،
درسته؟

صد البته
بخاطر اینکه همیشه واقعا به
مادام فکر میکنن



آه، نه. شاهزاده اینو
گفتن چون نگران
همه مون بودن

امکان نداره، به هر حال
اسم شما حتی در نامه
فرمان بود



ایشون گفتن
"مخصوصا سرهنگ
کلارنس، پیشنهاد
میکنم استراحت کنند"



خیلی خب، بیاید
همه فقط به سلامتی
بنوشیم. همه سخت
کار کردن



بله، مادام

Lady Lovers

این زنجبیل با
نوشابه هم
مزه خوبی
میده



هرچند اگر الکل
باشه بهتر میشه

میخوای یکی
بگیرم؟ فکر کنم هنوز
یکم تو سربازخونه
مونده باشه



نیازی نیست. نمیدونیم
کی قراره یه بیمار بیاد،
پس نوشیدنش چه
فایده ای داره؟



مادام میتونن الکل
بخورن؟



چی؟!





خوشتون
میاد؟!

بله، خوشم میاد

مگه من یه جراح
نیستم؟



وقتی هنوز تو کره بودم،
معمولاً درست بعد از
اتمام عمل تا آخر شب
می نوشیدم



آه، که اینطور. دکتران
بیمارستان رزدیل هم الکل
دوست دارن





خیلی خب
سوال بعدی!



مادام چطور
تصمیم گرفتن که
یه دکتر بشند؟

بخاطر...



بخاطر؟



بخاطر اینکه
دوستش دارم



دلیل دیگه ای
نداره

ایی، مادام. به مادر و نگید. شما
اینکارو نمی کنید چون مادام
میخوان جون مردم و نجات
بدن؟

یا، وقتی عبادت
می کردید روشن فکر
شدید؟

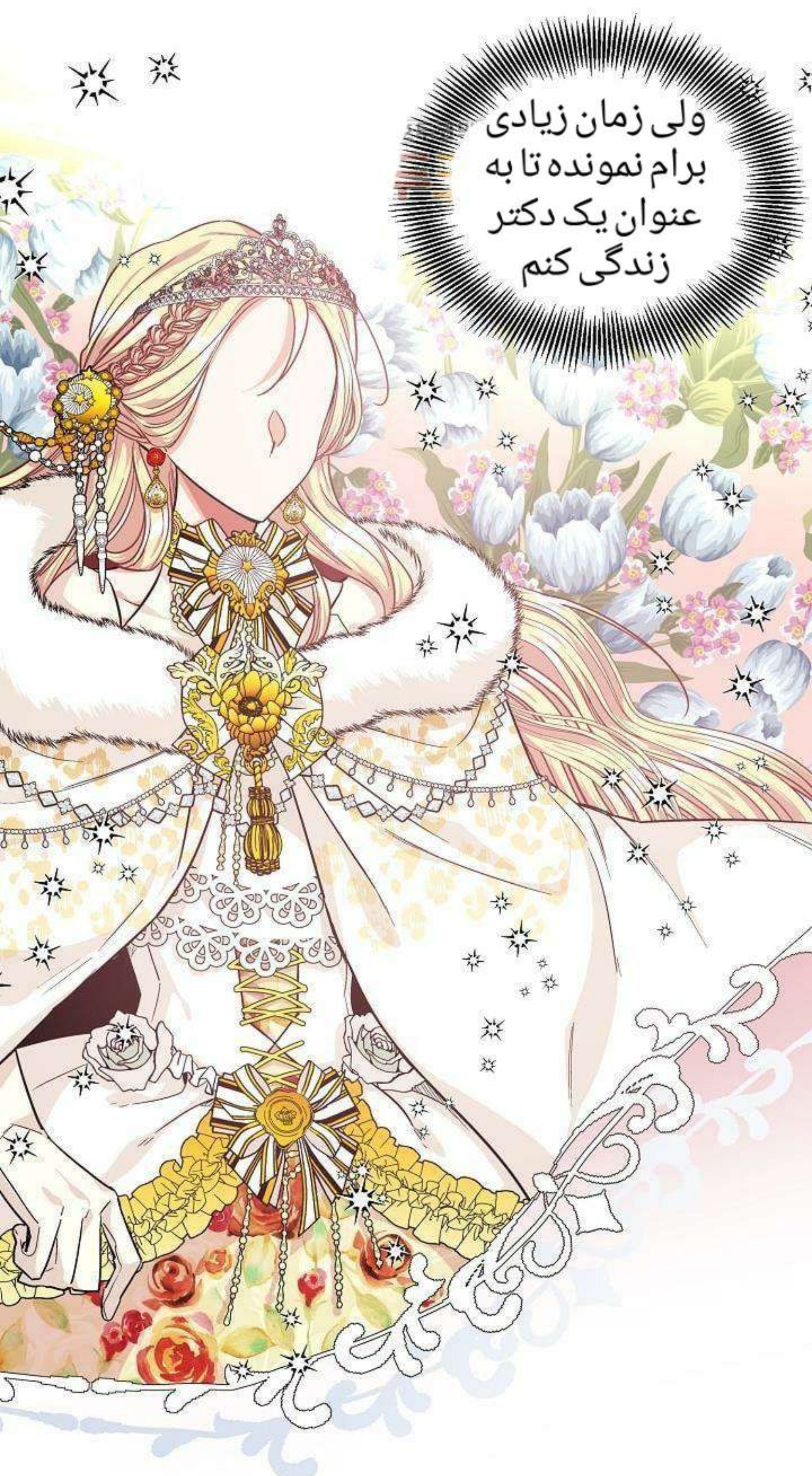
نه، فقط به این خاطره که
دوستش دارم، برای همین
انتخاب کردم که یه دکتر
بشم





من اونقدرها هم
شگفت انگیز نیستم،
فقط به این خاطره که
این شغل و دوست
دارم

ولی زمان زیادی
برام نمونده تا به
عنوان یک دکتر
زندگی کنم





دکتر؟

چیزی هست که
میخواید به من
بگید؟



مادام-



سلام و درود،
عالیجناب!

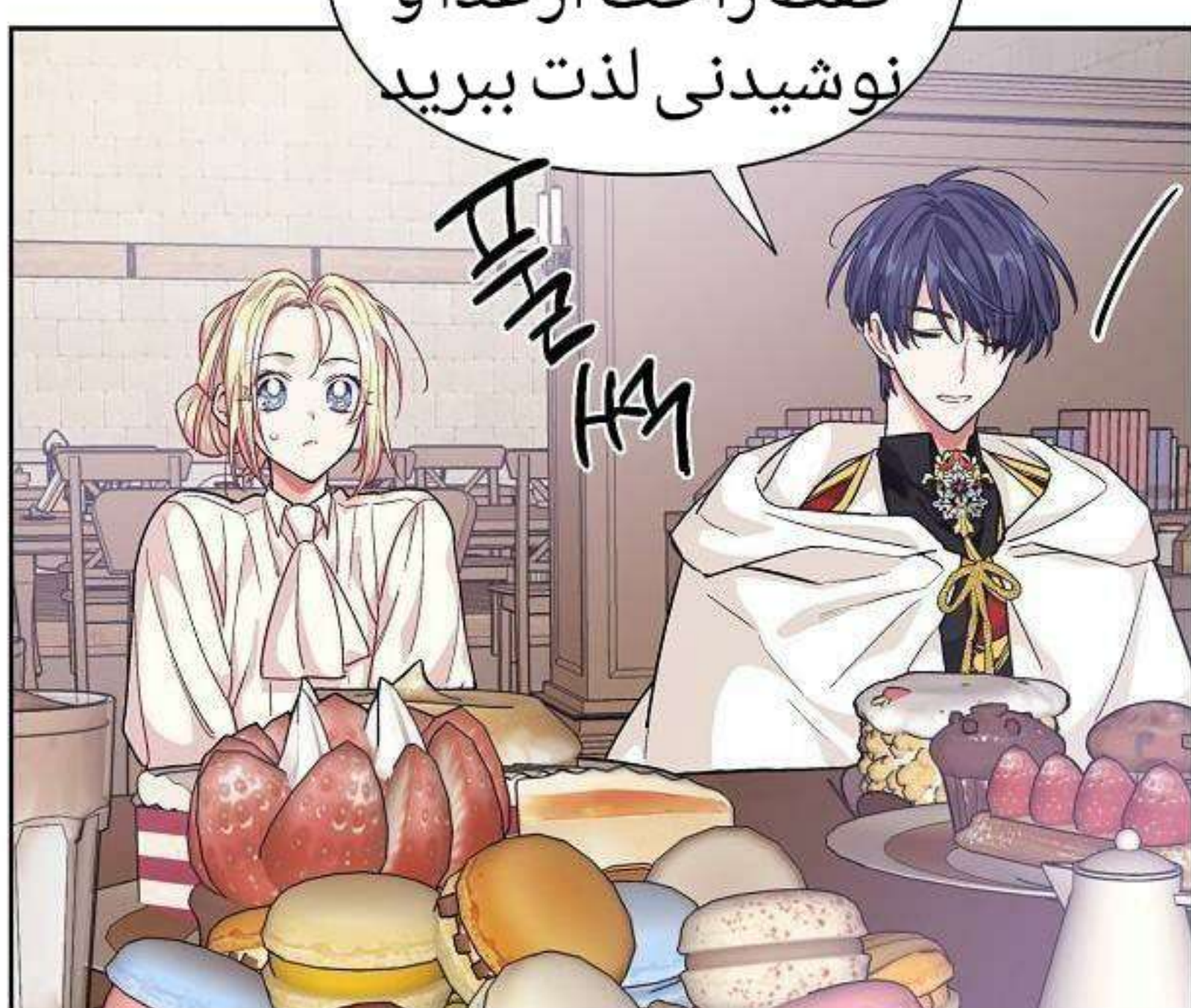
ع، عالیجناب... در این
بیمارستان صحرایی به
چه چیزی نیاز دارید؟

اومدم ببینم همتون
خوب استراحت
کردید یا نه

غذاها مطابق
سلیقتون هست؟

بله، عالیجناب!
ممنون بخاطر
توجهتون

پس خوشحالم. به
من اهمیت ندید،
فقط راحت از غذا و
نوشیدنی لذت ببرید



[مترجم: آخه لعنتی مگه میشه حتی منم راحت نمیتونم ترجمه کنم]

ایزه، تو هم باید
خوب استراحت کنی،
تو همیشه سخت کار
میکنی



نه، اینطور
نیست



امروز، برای
چی اومده
اینجا؟



اگر میخواد بخاطر
سخت کوشی به
سلامتی بنوشه، به
جای بیمارستان،
بهتر نیست بره پیش
سربازا؟



اهم
فکر کنم باید برم
بیمارا و ببینم

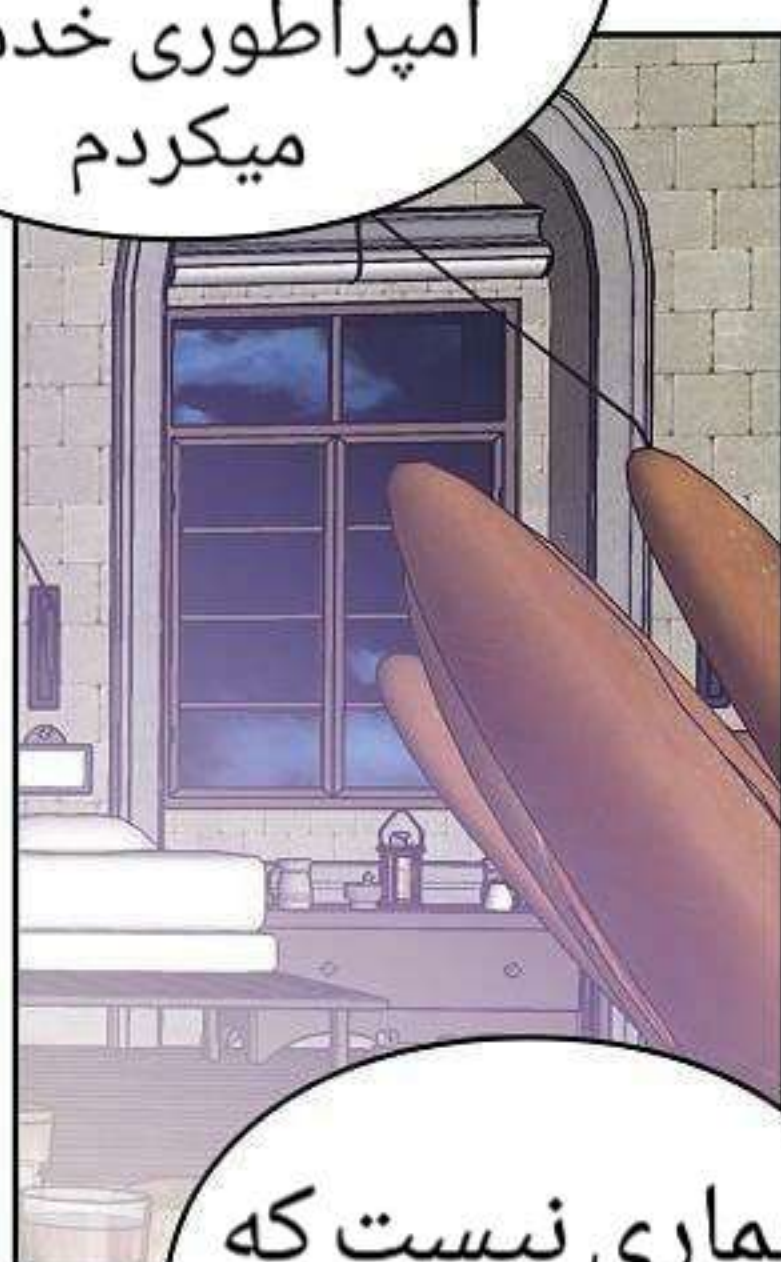


او، دکتر! اجازه
دید منم همراحتون
بیام!

[مترجم: تک تک صحنه را ترک
میکنند...]



بله، عالیجناب. من از
وقتی اینجا هنوز سرزمین
چل تنهام بود به خانواده
امپراطوری خدمت
میکردم



بیماری نیست که
باید چکش کنی؟



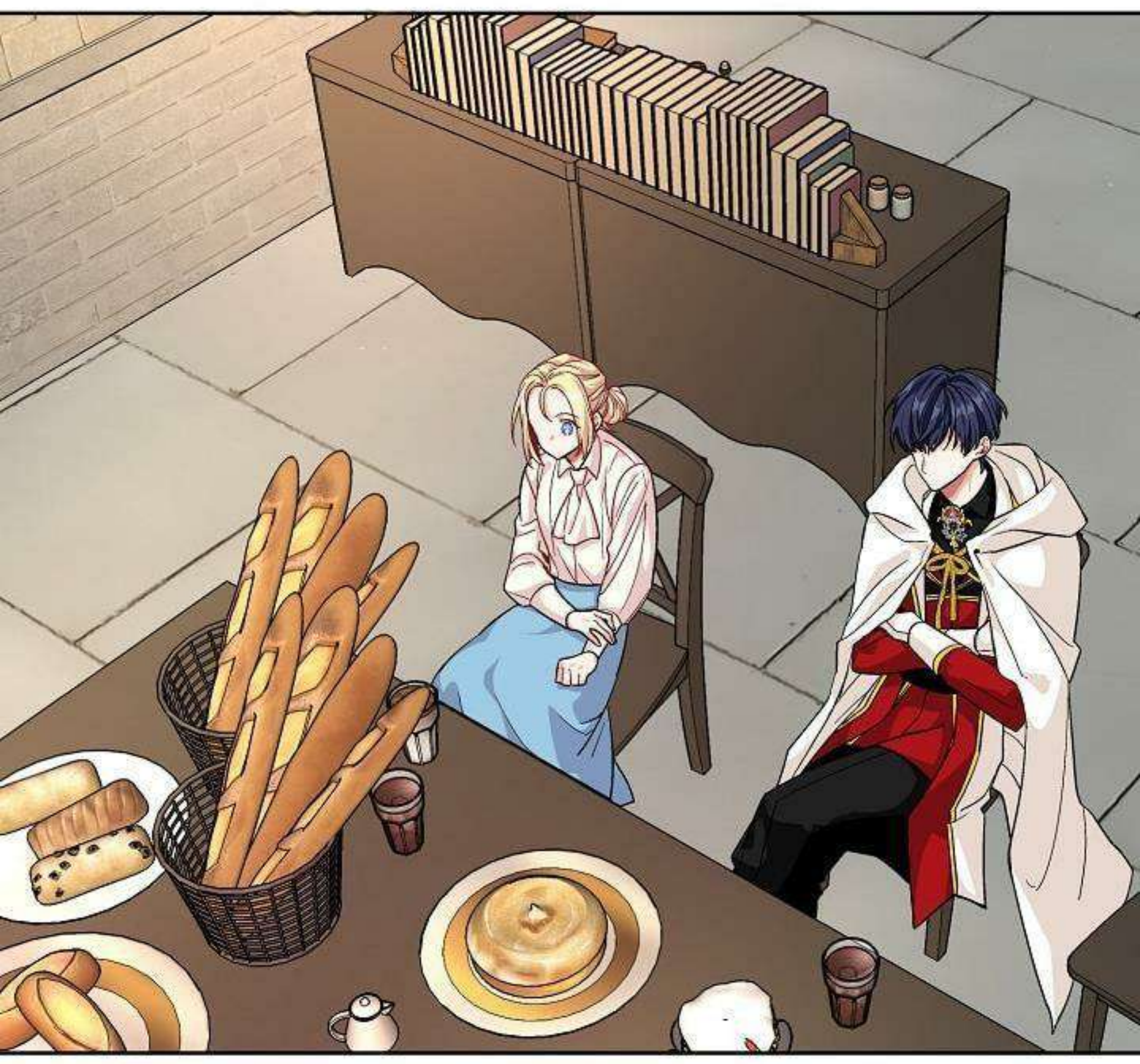
호두코믹스 구글검색
호두코믹스

.....

...به نظر میرسه بقیه به
کمکم احتیاج دارن ،
برای همین باید برم



جمع کردن.....



Lady Lilnesss

اون مرد... نگو
که-؟



[مترجم: به نظرم بهتر بود از همون اول
شاهزاده، الیزه و برمی داشت میرفت 😊]



تو اینجا
بمون

میخواهی منو
تنها بذاری؟

[مترجم: چرا هیچوقت مارو نمیبینی؟:]

ادامه دارد...



MIJRASKA